



یادداشت

مردم مناطق «آزاد» تازه نمی خواهند، خود آزادی را می خواهند

صادق کارگر



غلام رضا مصباحی مقدم، رئیس مجمع تشخیص نظام اخیرا خبر از تصویب ۷ منطقه آزاد تجاری - صنعتی در این مجمع داده است. مصباحی مقدم گفته است، پرونده ۷ مورد از ۸ منطقه آزاد تجاری که در دستور کار مجمع تشخیص قرار داشته به تصویب مجمع رسیده است.

ایلنا نیز از قول او نوشت: حجت الاسلام غلامرضا مصباحی مقدم اظهار داشت: پرونده ۸ منطقه آزاد تجاری - صنعتی در استان های گلستان (اینچه برون)، ایلام (مهران)، اردبیل (اردبیل)، سیستان و بلوچستان (سیستان)، کردستان (بانه مریوان)، هرمزگان (جاسک)، بوشهر (بوشهر)، کرمانشاه (قصر شیرین) در جلسه امروز مجمع بررسی شد که به غیر از منطقه جاسک در استان هرمزگان، با تأسیس ۷ منطقه آزاد جدید موافقت شد و مجمع آن را مصوب کرد.

آنطور که از گزارش ایلنا بر می آید مجمع تشخیص مصلحت در هماهنگی با دولت محل مناطق نامبرده را تعیین نموده اند و ظاهرا مجمع با نقاطی که مد نظر مجلس در اردبیل بود موافقت نکرده و بجای آن رای به نقطه مورد نظر دولت داده است. با این وصف این سوال پیش می آید که اگر دولت و مجلس با تشکیل مناطق تجاری در مناطق نامبرده موافق بوده اند، دیگر چه نیازی به دخالت و تصویب آنها در شورای مصلحت بوده است؟ شورای تشخیص مصلحت که خود حق تصویب قوانین را ندارد.

اما فارغ از این کشاکش های جناحی، باید پرسید مقصود از ایجاد مناط به اصطلاح آزاد تجاری - صنعتی یا به عبارت دقیقتر تجاری چیست؟ اگر هدف ایجاد اشتغال، جذب سرمایه و توسعه اقتصادی است که قبلا نیمی از کشور را به همین بهانه ها تبدیل به مراکز دلالتی و واردات کرده اند اما به هیچ کدام از این اهداف که نرسیده اند هیچ، بلکه باعث ضربه زدن به تولید مولد شده اند. آیا بهمین جهت نیست که هیچ گزارش مستندی از کارکرد و دست آوردهای نا داشته این مناطق به مردم نمی دهند. رویشان می شود بگویند چه مقدار شغل بواسطه وجود این مناطق که از



معافیت‌های گمرکی، مالیاتی، قوانین حمایتی و غیره برخوردارشان کرده‌اند ایجاد کرده‌اند؟ رویشان می‌شود بگویند چند کارخانه صنعتی در طی این همه سال در این مناطق ایجاد کرده‌اند؟ چقدر سرمایه وارد کشور کرده‌اند و چقدر سرمایه از کشور خارج کرده‌اند؟ چقدر محیط زیست کشور را ویران نموده‌اند؟ حال با این کارنامه این پرسش پیش می‌آید که در این مناطق که می‌خواهند ایجاد کنند قصد دارند چه گلی بسر مردم و کشور بزنند که در مناطق دیگر نرده‌اند؟ در آن کشورهایی که چنین مناطقی درست کرده‌اند، اگر احیانا دست آوردهایی هم داشته‌اند، حداقل یک حساب و کتابی هم در کار بوده است. چند هزار اسکله حمل قاقاق در سواحل آن فارغ از هر نوع کنترل و بازخواستی وجود نداشته است. با وجود این همه اسکله که تیول برادران قاقاقچی شما هستند، مناطق آزاد به هیچ کار دیگری جز سرکار گذاشتن مردم با دادن وعده های کاذب نمی‌آید. مشکل مردم کمبود مناطق آزاد اقتصادی و کمبود تاجر و دلال و کارچاق کن نیست. فساد و ناکارآمدی و نادانی دزدان طعماعی است که با زور تفنگ بر این کشور ثروتمند و غنی فرمان می‌رانند و با غارت ثروت های آن مردم را به فقر و فلاکت و گرسنگی کشانده‌اند. مردم مناطق “آزاد” نمی‌خواهند! خود آزادی را می‌خواهند. مناطق آزاد مگر چه ارمغان دیگری جز فقر و فلاکت و بی حقوقی برای اکثریت بزرگ مردم و ثروت و قدرت برای وابستگان به قدرت داشته است. به وضع کارگران در عسلویه، بندر خمینی و غیره بنگرید. و آن را با وضع خودتان و آقازادگانتان که بر صنعت پتروشیمی و نفت مردم چنگ انداخته‌اید بنگرید. مگر فریاد نان، کار، آزادی، زحمتکشان را که در جای جای کشور همه روزه طنین انداز است، نمی‌شنوید!

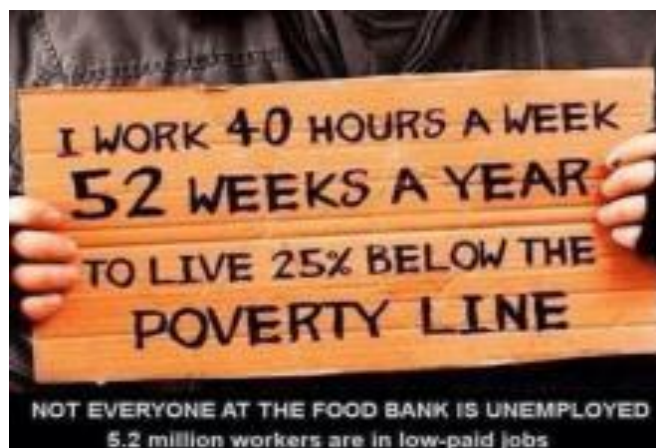


به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



ویروس نابرابری

گزارش ژانویه ۲۰۲۱ سازمان آکسفام بخش دوم



هجوم کرونا به جهانی بیشتر هم نابرابر

بحران کرونا سراسر جهانی را درنور دیده و به نابرابری در آن دامن زده است، که بیشتر از این هم به شدت نابرابر بود. جهانی که در آن یک گروه کوچک ۲ هزار نفره میلیاردی برای گذراندن بیش از هزار نوبت زندگی عالی کفایت می کند. جهانی که حدود نیمی از اهالی آن مجبور به گذران با درآمدی کمتر از ۵/۵ دلار در روز بود. جهانی که در خلال ۴۰ سال گذشته درآمد ۱ درصد ثروتمندترین افراد آن بیش از دوبرابر درآمد نیمه تحتانی تمام جمعیت آن بوده است. جهانی که در ربع قرن گذشته مصرف کربن ۱ درصد ثروتمندترین افراد آن بیش از مصرف نیمی از تمام اهالی آن بوده و به نابودی محیط زیست دامن زده است. جهانی که شکاف فزاینده بین فقیر و غنی به نابرابرهای دیرین جنسی و نژادی شکل داده و آنها را تشدید کرده است.

این نابرابری محصول یک سیستم اقتصادی معیوب و استثمار است، که ریشه های در اقتصاد های نئولیبرالی و تسخیر سیاست توسط نخبگان قلیل است. این سیستم از مناسبات جاافتاده نابرابری و سرکوب – و مشخصاً از مناسبات مردسالارانه و نژادپرستانه ساختاری منبعث از برتری جوئی سفیدپوستی - بهره گرفته و این مناسبات را قوت بخشیده است. این مناسبات علل بنیانی نابرابری و فقر اند. به اتکای این مناسبات، و با استثمار انسانهای تهیدست، زنان، و جوامع نژادی و تاریخی حاشیه ای و تحت ستم، است که سودهای سرشاری نصیب نخبگان مردسالار سفید می شود.

نابرابری به این معناست که شمار بسیاری از مردم در ضعف و فقرت اند، عده محدودی از نعمت آموزش برخوردارند، و عده باز هم محدودتری از یک زندگی سالم و پرنشاط و با عزت برخوردارند. این مناسبات سیاستها را زهرآلوده می کند، به افراط گرایی و نژادپرستی تحریک می بخشد، مبارزه برای پایان دادن به فقر را تضعیف می کند، تعداد بسیاری از انسانها را با زندگی در ترس تنها می گذارد و به عده بسیار قلیلی امید می بخشد.



لازم به تصریح است که این نوشته از کلمه نژاد به عنوان یک مقوله زیست شناختی (بیولوژیک) استفاده نمی کند، بلکه آن را به عنوان یک ساختار اجتماعی می شناسد. ترم "گروه های نژادی" در اینجا به کار گرفته شده است تا تمامی گروه هایی که در نتیجه یک روند اجتماعی ساختگی نژادپرستانه، از امتیازات مردمان سفیدپوست برخوردار نیستند، منظور شوند. یک سیستم اجتماعی نژادی آنی است که سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک در آن تا حدودی یا تماماً با قراردادن آکتورها در مقولات یا گروه های نژادی شکل داده شده اند. برخی جوامع به شدت نژادی اند. در برخی دیگر لایه بندیهای جامعه الزاماً خطوط نژادی را تعقیب نمی کنند، بلکه یا قومیت مبنای لایه بندی در بافتار نژادی واحد است - مثل بسیاری از کشورهای آفریقائی و آسیائی - و یا کاست، در کشورهایی که سیستم کاستی مبنای مقدم ستم سیستمی است.

هنگام صحبت از گروه های نژادی، وضوح دارای اهمیت خاص است. در نوشته حاضر، کلمات مردمان سیاه، آفریقائی تبار، مردم بومی، و جوامع تاریخیاً حاشیه ای و تحت ستم به کار گرفته شده اند تا بیشترین وضوح ممکن فراهم شود. با این حال، کلمه نژاد محدودیت هایی دارد و شاخصی برای سایر هویت های نژادی یا قومیتی نیست. این مشخصه ها تحت عنوان "جوامع تاریخیاً حاشیه ای و تحت ستم" بیان شده اند.

معنای واقعی آن دست نابرابریهای مفرط، که در بالا به آنها اشاره شد، این است که میلیاردها انسان پیش از هجوم پاندمی کووید-۱۹ به زندگی شان نیز، در لبه حیات و زندگی به سر می برده اند. آنها هیچ منبع و حمایتی برای مواجهه و مقابله با توفان اقتصادی و اجتماعی ای که زندگی شان را درگرفته بود، نداشتند. بیش از سه میلیارد از مردمان زمین فاقد امکان برای برخورداری از مراقبتهای پزشکی و بهداشت بودند. سه چهارم کارگران در سراسر دنیا به تأمینات اجتماعی، از قبیل حق ایام بیکاری یا بیمه بیماری دسترسی نداشتند. بیش از نیمی از کارگران در کشورهای با درآمدهای کم یا میانه، در شرایط "فقر با اشتغال" * به سر می بردند.

* سازمان بین المللی کار فقر با اشتغال را چنین تعریف می کند: فقیران شاغل کارگران دارای کاری اند که در خانواری زندگی می کنند که زیر یک خط فقر تعریف شده قرار می گیرد. در حالی که فقر در جوامع پیشرفته غالباً با بیکاری همراه است، فقر مفرطی که در بیشتر کشورهای در حال توسعه حاکم است، در ابعاد وسیعی مسئله کارگران دارای کار در این کشورهاست. مسئله برای این فقیران شاغل مشخصاً کیفیت اشتغال است. بنابراین مبارزه با فقر در این کشورها مستلزم هم افزایش فرصتهای شغلی، و هم افزایش درآمد فقیران شاغل است: مردمانی که کار می کنند، با این وجود فاقد درآمد لازم برای کشیدن خود و خانواده شان به بالای خط فقر اند.

بیمه ی بیکاری برای بیکاران!



ایران شیلی نیست!

صادق



پنج روز است که دو کارگر معدن طرزه واقع در استان سمنان در عمق ۳۵ متری معدن زیر آور ریزش معدن گرفتار شده‌اند و هنوز امدادگران نتوانسته‌اند آنها را از زیر آوار بیرون بکشند. همکاران معدنچیان پنج شنبه این هفته به خبرنگار خبرگزاری ایلنا گفتند، کارفرما وسایل حفاظتی در اختیار کارگران قرار نمیدهد، معدن به دلیل سودجویی کارفرما و صرفه جویی به اندازه کافی برای کارکردن ایمن نیست و شکایات پیشین معدن چیان قبل و پس از کشته شدن همکاران ۴۲ تن از همکارانشان در حادثه پیشین به مسئولین دولتی از نا امن بودن معدن ره به جایی نبرده و بدتر از همه خانواده های آن ۴۲ تن هنوز تحت پوشش تامین اجتماعی قرار نگرفته و مستمری همسران مقتول شان را به آنها نمی دهند. نظر اکثر کارشناسان ایمنی و بهداشت و حفاظت کار نیز بر این است که علت بیشتر حوادث شغلی به دلیل نبود نظارت، رعایت نکردن اصول حفاظتی و بهداشت محل های کار، فرسودگی ماشین آلات، ندادن آموزش لازم به کارگران و بخصوص نبود نظارت تشکلهای کارگری بر رعایت اصول ایمنی محل های کار است.

مراجعه به آمار حوادث کار که همه ساله از طرف اداره پزشکی قانونی منتشر شده‌اند نیز حاکی از افزایش هر ساله تعداد حوادث کار و تعداد کشته شدگان آن در ایران است. در این زمینه نیز متأسفانه ایران در میان کشورهای جهان و منطقه جز بدترین هاست. بنا به گزارش پزشکی قانونی در ۸ ماهه سال گذشته، یعنی تا ۴ ماه باقی مانده به پایان سال تعداد کشته شدگان حوادث کار ۳،۵ درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش داشته است. همین دو سه هفته پیش بود که شش کارگر در یک کارگاه بکلی فاقد ایمنی در آتش جز غاله شدند. همچنین شمار حوادث و کشته شدگان حوادث شغلی در یک و نیم ماه گذشته تا کنون بسیار افزایش یافته اند. تنها در حوادث هفته سوم فروردین ۸ کارگر کشته شدند. تعداد کسانی که در اثر رعایت نشدن بهداشت محیط کار دچار بیماری و بیماری های خطرناک و مرگ آور شده و کشته می شوند و در آمارهای رسمی بندرت نامی از آنها برده می شود، می گویند ۶ تا ۸ برابر کسانی است که در اثر حوادث کشته می شوند. با این وصف اما علی ربیعی دروغگو و مدیران ذیربط دیگر در وزارت رفاه بی شرمانه منکر این آمارها می شوند و در مصاحبه با رسانه ها ادعا می کنند، که در دولت روحانی تعداد حوادث شغلی و کشته شدگان آن را کاهش و وضع ایمنی را بهبود بخشیده‌اند.



شاه کرمی معاون روابط کار و وزارت تعاون، کار و رفاه نیز یک هفته بعد از اظهارات وارونه ربیعی گفت: “با تلاش و کوشش همکاران بخش دولتی و خصوصی، در دوره حاضر، آسیب‌های شغلی در واحدهای تولیدی تا ۲۹ درصد و آسیب‌های شغلی منجر به فوت تا ۴۴ درصد کاهش یافته است. این اظهارات خلاف واقع از آن روی صورت می‌گیرند تا بر تبدیل محل‌های کار به قتلگاه کارگران که از نتایج و پیامدهای سیاست‌های نئولیبرالیستی دولت روحانی است به خیال باطل خودشان سرپوش بگذارند و پلیدی‌های ضد انسانی سیاست‌های دولت و حکومت را وارونه جلوه دهند. اتفاقاً علی ربیعی بعنوان وزیر کار پیشین خود سهم بزرگی در افزایش بی‌وقفه حوادث شغلی و تبدیل محل‌های کار به قتلگاه داشته و دارد. آری جمهوری اسلامی با همه رژیم‌ها و دولتها تا آنجا که مربوط به کارگران و حقوق آنهاست تفاوت‌های منفی زیادی دارد و از خیلی از آنها خشن‌تر و بی‌رحم‌تر رفتار می‌کند. اینجا جمهوری جهنمی اسلامی ست، شیلی نیست که همه امکانات کشورش را برای نجات معدن چیان‌اش بسیج کند. این جا بسیج برای سرکوب و کشتار شهروندان است، نه برای نجات مردم از مصیبت‌هایی که غالباً تحمیل شده خود رژیم هستند، باری به هر جهت این روزگار تلختر از زهر هم خواهد گذشت و شرمساری و سرافکندگی آن برای مسببان آن باقی خواهد ماند به امید آن روز که دیر نیست روز رستاخیز خلق



خصوصی‌سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



برگزاری مراسم خیابانی ویژه روز کارگر در ۱۴ شهر

امسال به رغم همه تدارکات سرکوبگرانه دستگاه سرکوب جهت جلوگیری از تظاهرات خیابانی کارگران در روز جهانی کارگر، مراسم اول ماه مه به شکل گسترده تری نسبت به سالهای گذشته در شهرهای مختلف با ابتکاراتی که تشکلهای مستقل کارگری و فعالین کارگری در نظر گرفته بودند، برگزار شد. تعداد شرکت کنندگان در تظاهراتها و اجتماعات نیز نسبت به سال پیش بسی چشمگیرتر و شعارها و مطالبات مطرح شده در آنها شفاف تر و رادیکالتر از پیش بود. در تهران نیروهای امنیتی سرکوبگر با محاصره و اشغال محوطه وزارتخانه کار تلاش کردند مانع بزرگداشت روز جهانی کارگر شوند و ۳۰ شرکت کننده در مراسم تهران را برای مدتی دستگیر و در بازداشت نگاه داشتند. در سنج نیز تعدادی از سازمان دهندگان تظاهرات در این شهر را بازداشت نمودند. تظاهرات کوچک و محدودی نیز در تهران و برخی شهرها توسط شوراهای اسلامی و خانه کارگر با شرکت تعدادی از اعضای آنها و تحت حمایت و حفاظت نیروهای امنیتی برگزار شد که کم رونقتر از تمام سالهای گذشته بود. مراسم ویژه روز کارگر امسال همچنین به شکلی بسیار گسترده تر از سالهای پیش در فضای مجازی و با استفاده از امکانات آن برگزار شد و هرچه را که به کارگران در خیابانها اجازه گفتن اش را نداده بودند در کنفرانسها و جشن هایی که بمناسبت روز کارگر در سطح جهان برگزار شد فعالین و حامیان جنبش کارگری آنها را مطرح کردند و به اطلاع جمع کثیری از مردم رساندند و توانستند ممنوعیت تجمع در روز کارگر را جبران کنند. مراد از روز کارگر اگر رساندن پیام مطالبات، و اعتراضات و همبستگی بود، همه اینها در حد نسبتا مناسبیتوسط امکانات مجازی به گوش مشتاقان و مبارزان رسانده شد. در تعدادی از واحدهای تولیدی و خدماتی از آن جمله در کارخانه نیشکر هفت تپه نیز روز جهانی کارگر با شرکت شمار قابل توجهی از کارگران بطور مستقل روز کارگر بطور شایسته ای متناسب با امکانات و شرایط برگزار شد. کارگران شرکت کننده در همه این مراسمها مطالبات خود را در قالب بیانیه های متعدد به اطلاع عموم رساندند و برای پیشبرد آنها عهد و پیمان بستند. خواسته های مطرح شده در همه بیانیه ها کم و بیش مشابه اند و در راستای درستی قرار دارند.



برگزاری روز معلم

در روز دوازدهم اردیبهشت نیز به مناسبت روز معلم توسط کانون های صنفی و مستقل معلمان مراسم هایی در شهرهای مختلف برگزار شد و بیانیه هایی نیز حاوی مطالبات معلمان و فرهنگیان توسط آنها منتشر شد. معلمان و فرهنگیان در اجتماعات و بیانیه های خود، ضمن دفاع از حق عدالت آموزشی و رعایت آن، خواستار آزادی معلمان زندانی شدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در بیانیه ای که بمناسبت روز معلم منتشر نمود، خواستار:

... آزادی همه معلمان زندانی

اسماعیل_عبدی

محمد_رضا_رمضانزاده

...

_ توجه به تنوع بومی، نیازها و ویژگی های قومی در آموزش و پرورش و به تبع آن هموار ساختن زمینه تحقق اصل ۱۵ قانون اساسی

_ پرهیز از پرونده سازی علیه فعالین صنفی

_ به رسمیت شناختن تشکل یابی مستقل

_ توجه به منزلت و رفاه شاغلان و بازنشستگان

_ زدودن چهره ی امنیتی از فضاها ی آموزشی

_ اهتمام دولت به آموزش کیفی و رایگان

گردید.

برجسته شدن همگرایی و همبستگی میان کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر رحمتکشان که در بیانیه جمع ۱۵ تشکل بمناسب اول ماه مه نیز انعکاس یافت، از ویژگیهای مبارک روز کارگر و معلم امسال و گام بزرگی به پیش در جهت به فعل درآوردن مطالبات گروه های مختلف مزد بگیراناز طریق همگرایی و مبارزه مشترک است.

تجمع اعتراضی اپراتورهای برق غرب کشور در کرمانشاه

اپراتورهای برق در منطقه غرب کشور که به صورت شرکتی و غیر رسمی امورات برق در منطقه غرب کشور را اداره می کنند، در ۱۵ اردیبهشت در اعتراض به دستمزدهای اندک و امتناع کارفرمایان از افزایش دستمزد های شان در شهر کرمانشاه تجمع و خواستار افزایش دستمزد، رفع تبعیض مزدی میان کارگران رسمی و غیر



رسمی و استخدام مستقیم خود توسط شرکت برق منطقه‌ای شدند. گفتنی است کار اپراتورهای برق یک کار دائم تلقی می‌شود و به تبع آن آنها قاعدتا باید بطور رسمی استخدام شوند. شرکت برق در واقع با سپردن تامین نیروی انسانی به شرکتهای پیمانکار، بخشی از حقوق اپراتورها را به پیمانکار می‌دهد و به کمک آنها و قوانین ظالمانه و استثمارگرانه ابداعی برای کارگران پیمانی، شرکتی و حجمی، دستمزدهای اپراتورها را به نصف تقلیل می‌دهد.

این پیمانکاران نیز غالبا از وابستگان به حکومت هستند. مخالفت با شرکتهای پیمانکار و دلال نیروی کار و رفتار استثمارگرانه آنها محدود به کارگران برق نیست، این یک مطالبه سراسری کارگران شرکتهای پیمانکاری است.

کشته شدن ۶ کارگر برق در جریان سیل کرمان

۶ کارگر برق منطقه‌ای استان کرمان که برای ترمیم سیستم برق رسانی به مناطق سیل زده کرمان رفته بودند، متأسفانه در هنگام کار کشته شدند و پیکرهای بی جان آنها در فواصل زیاد از هم بعد از فروکش کردن سیل یافت شد ما در جان باختن دردناک این عزیزان زحمتکش را به خانواده ها و همکاران شان تسلیت می‌گوییم.

اعتراض کارگران معدن ذغال سنگ در چهارمین روز محبوس شدن دو معدنچی در عمق معدن طرزه

در حالیکه که با وجود گذشت چهار روز از محبوس شدن دو معدن چی معدن طرزه در سمنان ماموران امداد و همکاران شان همچنان برای بیرون کشیدن آنها از زیر آور مشغول تلاش هستند. کارگران پیمانی معدن ذغال سنگ البرز شرقی نسبت به رعایت نشدن اصول ایمنی و بهداشت در معدن و همچنین دستمزد اندک با وجود سختی کار خود اعتراض و خواهان رسیدگی مسئولین به رعایت نشدن اصول ایمنی توسط کارفرما که به قیمت جان کارگران معدن تمام گردیده شده‌اند خبرگزاری ایلنا از قول کارگران این معدن نوشت: طی سالهای متوالی شاهد بروز حوادث دلخراش برای همکاران خود در مناطق مختلف معدنی بویژه در معدن زغال سنگ بوده‌ایم که درناکترین این اتفاقات حدوداً سه سال پیش در معدن زغال سنگ زمستان یورت استان گلستان با ۴۳ کشته رخ داد که هنوز به وضعیت خانوادهای آنها رسیدگی نشده است.. ابارها در برابر این شرایط نالایم کارگاه‌ها به مسئولان بالادستی گزارش داده‌ایم اما نتیجه‌ای نداشته است. حتی درباره حادثه اخیر تونل ۴۲ که منجر به محبوس شدن دو نفر از همکارانمان شده بارها کارگران از شرایط نالایم کارگاه و صداهایی که از سقف و دیواره کارگاه به گوش می‌رسید، به پیمانکار اخطار داده بودند تکرار این فجایع نشان می‌دهد که دولت و صاحبان نوکیسه این معدن به چیزی که نمی‌اندیشند، جان و ایمنی کارگر است. برای آنها هیچ چیز بالاتر از سود و سود اندوزی بیشتر به هر قیمتی نیست..."

تجمع راهبران مترو در تهران

راهبران یا همان رانندگان قطارهای شهری در ۱۵ فروردین در محل بهره‌برداری شرکت متروی تهران اقدام به تجمع اعتراضی کردند. معترضین در تجمع خود خواستار پرداخت حق جذب، و حق سختی کار، قرار گرفتن در اولویت واکسیناسیون، اصلاح عناوین شغلی، اجرای کامل بخشنامه‌های افزایش دستمزد کارگری مصوب شورای عالی کار، عدم اجرای طرح حذف راهبر کمکی قطار، اصلاح فرمول و نحوه محاسبه مالیات بر حقوق پرسنل، رفع تبعیض میان کارکنان عملیاتی و پرسنل ستادی، احیا و اجرای دستورالعمل تامین تجهیزات انفرادی راهبران هستند. اعتراض راهبران بقدری جدی و پیامدهای آن در صورت تبدیل به اعتصاب آنچنان نگرانی در میان مدیریت شرکت مترو بوجود آورد، که فرنوش نوبخت مدیر عامل مترو که گویا از بستگان نزدیک نوبخت است را



بر آن داشت که خود راسا به سراغ راهبران بیاید و با آنها گفتگو کند. از نتایج این گفتگو هنوز خبری منتشر نشده است..

اعتراض کارمندان رسمی در هلدینگ نفتی خلیج فارس

کارمندان هلدینگ خلیج فارس بنا به گزارش ایلنا در ۱۵ اردیبهشت خواستار اجرای ۲۵ درصد افزایش حقوق خود و همچنین پرداخت چند مطالبه دیگرشان شدند. این کارمندان که تعدادشان ۵۲۰۰ نفر اعلام شده، همچنین خواهان پرداخت شدن پاداش بهره وری شش ماهه اول و دوم سال ۹۹ خود، موسوم به ک"ارت نفت"، و رسیدگی به وضعیت درمان خود که به علت بد عهدی هلدینگ نسبت به پرداخت سهم بیمارستانهای ملی ماهشهر و اهواز پیش آمده شدند. گفتنی است که هلدینگ نفتی خلیج فارس خصوصی شده است. ولی قبل از خصوصی شدن شرکت مزبور اقدامی جهت روشن کردن وضعیت کارمندان رسمی خود ننموده است. کارمندان که خواهان روشن شدن وضعیت شغلی و حقوق و مزایای خود هستند آن را در نامه‌ای برای مسئولین فرستاده‌اند.

تصمیم به بازگرداندن شرکتهای پیمانکاری با اعتراض کارگران در زنجان روبرو شد.

کارگران بخش خدماتی و فضای سبز شهرداری منطقه ۴ زنجان در ۱۵ فروردین در اعتراض به سپردن کارهای این دوبرخش شهرداری به شرکتهای پیمانکار و پرداخت نشدن به موقع مطالبات مزدی خود اقدام به برگزاری تجمع کردند. کارگران که قبلاً توانسته بودند حضور شرکتهای پیمانکاری در شهرداری را خاتمه دهند، به دلیل تجربیات ناخوشایندی که از رفتار شرکتهای پیمانکاری دارند، نسبت به تصمیم مدیران شهرداری برای سپردن امور خدماتی به پیمانکاران با تجمع واکنش نشان دادند.

تجمع معلمان خرید خدمت در اصفهان

۱۰۰ تن از معلمان خرید خدمت در ۱۳ اردیبهشت در اعتراض به کاهش مدت قرار دادهای خود، دستمزد اندک و پرداخت نشدن به موقع مطالبات مزدی شان مقابل اداره آموزش و پرورش شهر تجمع و خواستار رسیدگی به آنها شدند. گفتنی است که کاهش مدت قراردادهای که بعد از تعطیلات نوروزی توسط کارفرمایان شروع شده به کارگران محدود نموده و دولت نیز به تقلید از شرکتهای پیمانکار شروع به کاهش قراردادهای معلمان غیر رسمی نموده است. یعنی در واقع دست پیش را گرفته که پس نیفتد. این تضعیقات علیه معلمان غیر رسمی در حالی انجام می شود که معلمان غیر رسمی خواستار استخدام رسمی هستند. دولت اما بجای تامین کمبود کادر آموزشی از میان معلمان غیر رسمی که هم سالها تجربه کاری و هم سواد و مدرک تحصیلی دانشگاهی دارند، قصد دارد ۲۵ هزار طلبه را برای شغل معلمی استخدام نماید.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی‌دستان و آسیب‌دیدگان کرونا را تامین کند!